

صلى الله عليه وسلم

تقدیم بہ شہید راہ وطن، پدرم "عبدالرضا باقری"

زمان و مکان شہادت: ۱۳۶۶/۰۴/۰۵ عملیات نصر ۴ کردستان عراق

صد سال فوتبال ایران

نگرشی جامعه‌شناختی به شکل‌گیری و گسترش ورزش فوتبال در ایران معاصر

دکتر مجتبی باقری



سرشناسنامه: باقری، مجتبی، ۱۳۶۱-
 عنوان و نام پدیدآور: صد سال فوتبال ایران : نگرشی جامعه‌شناختی به شکل‌گیری و گسترش ورزش فوتبال
 در ایران معاصر/ مجتبی باقری.
 مشخصات نشر: انتشارات آنان، تهران ۱۴۰۲
 مشخصات ظاهری: ۲۱۶ص
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۰۸ - ۲۱۷.
 عنوان دیگر: نگرشی جامعه‌شناختی به شکل‌گیری و گسترش ورزش فوتبال در ایران معاصر.
 شابک: ۹۷۸۶۲۲۰۵۲۰۳۰۵۱۸
 موضوع: فوتبال -- ایران -- جنبه‌های اجتماعی -- تاریخ -- قرن ۱۴
 Soccer -- Social aspects-- Iran -- History -- ۲۰th century
 فوتبال -- ایران -- تاریخ
 Soccer -- Iran -- History
 رده بندی کنگره: G۷۹۴۴
 رده بندی دیویی: ۷۹۶/۳۳۴۰۹۵۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۷۳۲۵۱

صد سال فوتبال ایران

دکتر مجتبی باقری

ناشر: آنان

مدیر مسئول: غلامرضا خدارحمی

طراح جلد: منیره رحیمی

صفحه آرا: عاتکه صفالومنزّه

تیراژ: ۷۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰۰۰ ریال

تلفن ناشر: +۹۱۸۳۴۲۷۰۴۷-۰۹۳۵۴۴۱۷۹۳۰

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۹

مقدمه..... ۱۱

بخش اول؛ دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی فوتبال

فصل ۱: جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی فوتبال

از جامعه‌شناسی چه می‌دانیم؟..... ۱۶

درباره جامعه‌شناسی فوتبال..... ۱۹

تاریخچه فوتبال جهان..... ۲۲

در جستجوی ریشه‌های تاریخی فوتبال..... ۲۳

شکل‌گیری فوتبال مدرن..... ۲۵

تشکیل فدراسیون بین‌المللی فوتبال..... ۲۸

تاریخچه فوتبال ایران..... ۳۱

فصل ۲: فوتبال در جامعه

فوتبال و سیاست..... ۳۸

کارکردهای اجتماعی و فرهنگی ورزش فوتبال..... ۴۱

فوتبال و اقتصاد..... ۴۵

فوتبال و رسانه‌های گروهی..... ۴۸

فوتبال و سوبه‌های هویت..... ۵۳

الف: فوتبال و هویت ملی..... ۵۵

ب: فوتبال و هویت قومی..... ۵۸

ج: فوتبال و هویت جنسی..... ۶۱

- خشونت و پرخاشگری در فوتبال.....۶۷
- فقر و فوتبال(فوتبال در مناطق محروم و کم برخوردار).....۵۶

فصل ۳: فوتبال در اندیشه و آرای بزرگان جامعه‌شناسی

الف: جامعه‌شناسان بدبین

- کارل مارکس.....۷۵
- تئودور آدورنو.....۷۸
- میشل فوکو.....۸۱
- ژان بودریار.....۸۶

ب: جامعه‌شناسان خوشبین

- امیل دورکیم.....۸۹
- جورج زیمل.....۹۴
- مارسل موس.....۹۷
- اروینگ گافمن.....۱۰۲

ج: جامعه‌شناسانی با دیدگاه خاکستری

- ماکس وبر.....۱۰۶
- نوربرت الیاس.....۱۱۰
- پیر بوردیو.....۱۱۳
- آنتونی گیدنز.....۱۱۷
- نگاهی به پیشینه موضوع در برخی پژوهش‌های داخلی و خارجی.....۱۱۹

بخش دوم: عوامل اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری ورزش فوتبال در ایران

فصل ۴: همچون زنده شدن یک ققنوس (سرآغاز فوتبال ایران در اواخر دوران قاجار)

- ۱۲۶..... روشنفکران جدید.....
- ۱۲۸..... اصلاحات.....
- ۱۲۹..... نفی سنت.....
- ۱۳۱..... اتباع خارجی.....
- ۱۳۳..... انقلاب مشروطیت.....

فصل ۵: ققنوس برون از خاکستر (قوام فوتبال ایران در دوران پهلوی اول)

- ۱۳۸..... مدرنیته.....
- ۱۴۰..... تشکیل دولت مدرن.....
- ۱۴۳..... تحول نهاد ورزش.....
- ۱۴۵..... نفوذ دول غربی.....
- ۱۴۷..... برنامه توسعه.....

بخش سوم: عوامل اجتماعی مؤثر بر گسترش ورزش فوتبال در ایران

فصل ۶: پرواز ققنوس (ترقی شگفت‌انگیز فوتبال ایران در دوران پهلوی دوم)

- ۱۵۴..... مدرنیزاسیون.....
- ۱۵۶..... غربگرایی.....
- ۱۵۹..... رسانه‌های گروهی.....
- ۱۶۲..... پیامدهای کارکردی فوتبال.....
- ۱۶۳..... حضور زنان.....

فصل ۷: اوجگیری ققنوس شکسته‌بال (قهر و آستی جمهوری اسلامی با ورزش فوتبال)

- گفتمان غیررسمی.....۱۶۹
- جهانی‌شدن.....۱۷۲
- انزوای بین‌المللی.....۱۷۵
- دوران سازندگی.....۱۸۳
- مطالبات زنان.....۱۸۶

بخش چهارم: فوتبال ایران در ترازوی تاریخ و جامعه‌شناسی

فصل ۸: بحث و نتیجه‌گیری

- خلاصه‌ی مطلب.....۱۹۲
- بحث و نتیجه‌گیری.....۱۹۵
- راهکارها و پیشنهاداتی برای تصمیم‌گیرندگان جامعه‌ی ایران.....۲۰۴

منابع و مأخذ

- منابع فارسی.....۲۰۸
- منابع لاتین.....۲۱۳
- منابع اینترنتی.....۲۱۶

پیشگفتار:

«سوگند به قلم و آنچه با آن می‌نویسند(قرآن، سوره قلم: آیه ۱)»

کتاب حاضر، پژوهشی تاریخی-تحلیلی از فرآیند پیدایش و سیر ترقی ورزش فوتبال در جامعه‌ی ایرانی‌ست. پرسش بنیادین پژوهشگر، چرایی شکل‌گیری و تحول ورزشی بریتانیایی و غیربومی در این مرز و بوم به گونه‌ای که ورزش‌های کهن مانند زورخانه و کشتی پهلوانی را به حاشیه‌ی نهاد متبوع رهنمون می‌سازد. در این کنکاش، نقش رویدادهای تاریخی و عوامل اجتماعی - فرهنگی در ظهور موضوع مورد بررسی از اهمیتی حیاتی برخوردارند و نویسنده بر آن است تا فارغ از هیاهو و قطب‌بندی‌های ژورنالیستی، درک و برداشتی جامع‌ه-شناختی را در این زمینه به مخاطبان ارائه نماید. در این مسیر، تلاش و تمرکز صاحب قلم بر آن بود تا مسئله‌ی مربوطه در بافت‌های تاریخی-اجتماعی مطرح‌نظر قرار گیرد و تا جایی که توان و ظرفیت نگارنده یاری کند از تعصبات و پیش‌داوری‌های بیهوده که همچون موربان‌ه بر پیکر حقیقت موضوع خواهند افتاد امتناع گردد.

اثر حاضر که می‌توان آن را عصاره‌ی ۲۰ سال مطالعه و ریاضت مؤلف در محیط‌های آکادمیک^۱ و شاید فراتر از آن دغدغه‌ی انسانی که سال‌های کودکی و جوانی‌اش را در رؤیای فوتبالیست‌شدن سپری کرد و از تجربه‌ی سال‌ها توپ-زدن در مسابقات آموزشی، نوجوانان، جوانان و امیدهای کشور و همچنین رقابت‌های باشگاهی استان و شهرستان زادگاه خویش برخوردار می‌باشد؛ قلمداد

^۱ پایان‌نامه کارشناسی مشارالیه با عنوان نقش و جایگاه قهرمانان ورزش در جامعه در دانشگاه شهید چمران اهواز؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان کارکردهای اجتماعی- فرهنگی ورزش فوتبال در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و در نهایت رساله دکتری ایشان نیز در دانشگاه علوم و تحقیقات تهران با موضوع بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری و گسترش ورزش فوتبال در ایران به قلم آمده است.

نمود. لذا این اثر، با عشق و امید به تمامی خردمندان متعهد و جویای کشف قانونمندی‌های حاکم بر جوامع انسانی تقدیم می‌گردد؛ با این آرزوی دیرینه که گامی هر چند کوچک در مسیر ترقی مطالعات اجتماعی ورزش در ایران عزیزمان را به ارمغان آورد.

مجتبی باقری

دیار آبدانان، اسفندماه ۱۴۰۱

«فوتبال، خارق‌العاده‌ترین کشف بشریت است».
 "پروفیسور ماکس مینکوری"

خورخه لوئیس بورخس، نویسنده‌ی پرآوازه آرژانتینی روزی می‌نویسد: *فوتبال بزرگترین جنایت انگلستان است*. بورخس، تنفر خود از فوتبال را در داستان کوتاهی به نام «بودن، درک‌شدن است» به گونه‌ای تلویحی مطرح می‌کند. شاید این دیدگاه بدبینانه، ریشه در فهم او از نافرهیختگی بسیاری از بازیکنان فوتبال و سوءاستفاده‌ی حکومت‌های مستبد یا پوپولیست از جایگاه آنان در راستای منافع سیاسی خویش خواهد داشت که در نهایت منجر به حمایت کورکورانه‌ی مردم از رهبران وحشتناک‌ترین جنبش‌های سیاسی قرن بیستم می‌شد. در این واقعیت تردیدی نیست که ساختار و شرایط جهانی به گونه‌ای سازمان‌یافته که اکثریت قریب به اتفاق مردمان کنونی جهان بشریت، شناختی مبسوط از فوتبالیست‌های آرژانتینی چون دیگو مارادونا و لئونل مسی دارند و در مقابل افراد بسیار نادری یافت می‌شوند تا از جایگاه بورخس، نویسنده بزرگ این کشور و حتی آمریکای لاتین و جهان آگاهی لازم را داشته باشند؛ اما رسالت پژوهشگران آکادمیک ایجاب می‌نماید که با فاصله گرفتن از پیشداوری‌ها و برداشت‌های شخصی، حم و غم خویش را در مسیر شناسایی ریشه‌ها و عوامل بنیادین ایجاد مسئله یا موضوع موردنظر به کار گیرند. مضافاً بیاد داشته باشیم، خاصیت اصلی پدیده‌های مدرن این است که مانند شمشیری دو لبه عمل می‌کنند. بدین‌سان، فوتبال نیز به عنوان پدیده‌ای کاملاً مدرن از این قضیه مبرا نیست و ضمن آنکه به مثابه فرصت و ابزاری برای گروه‌هایی است که به دنبال حفظ وضع موجودند؛ فرصت و بهانه‌ای نیز برای عرض اندام جناح‌هایی می‌باشد که هرگونه تغییر در سیاست‌های کلی نظام حاکم را جشن می‌گیرند.

واقعیت آن است که در عصر کنونی با هیچ نیرویی نمی‌توان فوتبال را از عرصه عمومی حذف کرد. "ژاک دو فرانس" جامعه‌شناس فرانسوی، بخشی از کتاب جامعه‌شناسی ورزش خویش را با عنوان «فوتبال و برگ‌های برنده‌اش» به دلایل محبوبیت فوتبال اختصاص داده است، و بر این باور است که این ورزش از زمان عالمگیرشدنش به لحاظ اجتماعی بسیار متنوع شده و دیگر چون در ابتدای ظهورش ورزش انحصاری حومه‌های شهرهای صنعتی نیست و تماشاچیان فوتبال نیز از قشرهای مختلف جمعیت هستند و چهره‌ی جامعه-شناختی یک شهر یا یک منطقه را بازتاب می‌کنند (۱۳۸۴، ۷۲). از این دیدگاه، ورزش فوتبال برگ‌های برنده‌ی زیادی برای ترقی و عالمگیرشدن داشته که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. نمادی از صفات برجسته جامعه‌ی صنعتی است: تقسیم وظایف و کار گروهی، برابری فرصت‌ها، رقابت‌ها، مهارت، ارتقاء، تبعید، پایگاه نامطمئن افراد (که می‌توانند تعویض شوند).
۲. سازماندهی و راه‌اندازی بازی فوتبال بسیار ساده است: آماده‌سازی یک زمین فوتبال برای بازی به مراتب ارزان‌تر از ساختن یک استخر برای شنا، پیست برای هاکی روی یخ یا پیست دوچرخه‌سواری تمام می‌شود. در واقع این یک واقعیت است که بازی فوتبال به ابزار کمی نیاز دارد؛ قواعدش ساده و پایدار است.
۳. ابعاد زمین فوتبال اجازه می‌دهد انبوه جمعیت یکجا دور هم جمع شوند. به عبارت دیگر استادیوم به عنوان فضای اجتماعی قشربندی شده است.
۴. بالاخره، باید تأثیر مهم انتخاب پا به عنوان ابزار بازی که عدم قطعیت را افزایش می‌دهد را یادآوری کرد، زیرا فوتبالیست قدرت، سرعت و مهارت را باید ترکیب کند.

یک قرن پیش در ایران ما، رقابت در میدان ورزش این مرز و بوم نبردی میان سنت و مدرنیته بود و شاید در آغاز هیچ کس تصور نمی کرد که گسترش روزافزون ورزش مدرنی چون فوتبال تا به این میزان، جذابیت ورزش های دیرین ایرانی را کم رنگ سازد:

فوتبال در ایران امروز همپای بسیاری از کشورهای بزرگ دنیا کارکردی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی یافته و توانسته جایگاه ویژه ای در جامعه به دست آورد. ورزشی که از حدود یک قرن پیش وارد ایران شد و اکنون جذاب ترین و پرطرفدارترین ورزش کشور به شمار می آید. چنین وصفی از ورزش فوتبال، به تدریج جای کشتی، ورزش سنتی و پرطرفدار ما را که اکنون تنها با نام [جهان پهلوان] تختی یاد آن می افتیم، گرفته است (افسر کشمیری ۱۳۸۱، ۲۸).

از نیم قرن اخیر به این طرف، ورزش فوتبال در جامعه ای ایرانی تشکیلات وسیعی پیدا کرده و شرکت کنندگان تماشاگر در مناسبات و مسابقات آن بیش از دیگر مشارکت های سیاسی، صنفی و غیره می باشند. به عبارت دیگر، ورزش فوتبال به مثابه دیگر اجزای جامعه (اقتصاد، خانواده، آموزش و پرورش، حکومت، مذهب و...) جزئی از نظام اجتماعی ما ایرانیان شده است به گونه ای که تعمیم آن برای تعادل، ثبات و دوام اجتماعی اجتناب ناپذیر می نماید.

شکل گیری و گسترش ورزش فوتبال، نمی تواند بدون تأثیرپذیری از عوامل اجتماعی مشخص که همچون موجی تمام نهادهای جامعه ای ایرانی دوران معاصر از جمله نهاد ورزش را در بر می گیرد، به منصفی ظهور رسیده باشد. لذا بررسی و شناسایی ریشه های اجتماعی شکل گیری و تحول این ورزش می تواند پژوهشگران و خوانندگان را به درکی نسبی از شرایط اجتماعی جامعه معاصر رهنمون سازد. بدین سان، نگارنده بر آن است تا ضمن چشم پوشی از بار ایدئولوژیک برخی مفاهیم در دوره بندی های تاریخی و توصیف تاریخچه و

ارزیابی ارتباط فوتبال با برخی نهادهای اصلی جامعه، فرآیند ایجاد و توسعه‌ی این ورزش را در چهار دوره‌ی مختلف تاریخ معاصر ایران مورد تحلیل قرار دهد. بدین‌سان، پس از بخش نخست که کلیاتی از جامعه‌شناسی فوتبال را به خوانندگان ارائه می‌دهد، بخش دوم (فصل‌های دوم و سوم) به شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری ورزش فوتبال در جامعه‌ی ایرانی می‌پردازد که شامل اواخر دوره‌ی قاجار و عصر پهلوی اول می‌باشد. در بخش سوم (فصول سوم و چهارم) عوامل اجتماعی مؤثر بر گسترش ورزش فوتبال در جامعه‌ی ایرانی بررسی می‌گردد که دوران پهلوی دوم و جمهوری اسلامی را در بر می‌گیرد. در نهایت بخش چهارم و پایانی این اثر نیز تحلیلی‌ست بر عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر شکل‌گیری و گسترش ورزش فوتبال ایران که در چهارچوب نتایج و پیشنهادات به قلم خواهد آمد. همچنین، نگارنده به دنبال آن است تا نتایج فصل‌های چهارم تا هفتم به عنوان جان کلام بحث را در قالب مدلی نظری ارائه دهد. لذا در انتهای فصول مذکور، مدل نهایی^۲ موردنظر نیز طراحی و ارائه گردیده است.

^۲. مدل‌های مذکور با بهره‌گیری از نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی اطلس. تی. آی (Atlas.ti) طراحی شده‌اند.

بخش اول:

دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی فوتبال

فصل ۱: جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی فوتبال

«من جنگجو نیستم، اما تماشاگری متعهد باقی خواهم ماند».

"ریمون آرون، جامعه‌شناس فرانسوی"

از جامعه‌شناسی چه می‌دانیم؟

رشته علمی جامعه‌شناسی^۳ را می‌بایست مولود و زاییده‌ی انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ و تحولات و تغییرات آن دوران چون: انقلاب‌های سیاسی، انقلاب صنعتی و پیدایش نظام سرمایه‌داری، پیدایش سوسیالیسم، شهرگرایی، رشد علم و دگرگونی مذهبی قلمداد نمود. در فرانسه قرن ۱۹ و ابتدای قرن ۲۰، در شرایطی که آشکال قدیم نظم اجتماعی مبتنی بر منظومه‌های برآمده از کلیسا و سلطنت، فروپاشیده بودند، پرسش از چگونگی جامعه‌شدن جامعه یعنی پرسش از همبستگی اجتماعی، یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی آن برهه از تاریخ مردمان سرزمین مذکور شد. به‌دیگر سخن، دگرگونی‌هایی که در نتیجه‌ی این انقلاب پدیدار گشت (خاصه نتایج منفی آن چون آشوب و بی‌سامانی) روشنفکران و اندیشمندان آن دیار را در آرزوی بازگردان نظم به جامعه در جستجو و تکاپو به منظور انتخاب مسیر درست انداخت: به زعم برخی افراد و گروه‌ها خاصه افراطگرایان مذهبی، تنها راه نجات، بازگشت به آرامش و هماهنگی دوران قرون وسطی و حاکمیت کلیسای کاتولیک، سلطنت و نظام پدرسالار بود؛ اما افراد معقولتر این دوره بر آن بودند که دگرگونی‌های اجتماعی چنین بازگشتی را امکان‌ناپذیر ساخته است (ریترز ۱۳۸۴، ۷-۱۳). در واقع از نظر دسته‌ی دوم، همانگونه که طبیعت دارای قانونمندی است و حوادث و رویدادهای طبیعی مانند: باران، برف، زلزله، طوفان و... از قوانینی مشخص پیروی می‌کنند؛ جامعه نیز دارای نظم و قانونمندی است و

^۳. Sociology

مسائل، رویدادها و پدیده‌هایی چون: انقلاب، فقر، خودکشی، طلاق، حاشیه‌نشینی، روسپیگری، تکدیگری و... هرگز در خلاء شکل نخواهند گرفت و تابع عوامل و ریشه‌های خاص خویش می‌باشند. اصحاب این نوع دیدگاه که به اثبات‌گرایی شناخته شدند، معتقد بودند که جامعه‌شناسی می‌تواند و باید هم از نظر اسلوب‌ها و هم به لحاظ خصلت یافته‌هایش همانند علوم طبیعی باشد.

توجه به سرشت جامعه را می‌توان در سراسر تاریخ اندیشه بشری دنبال نمود. برخی منابع "ابن خلدون"^۴، محقق مسلمان تونس قرن چهاردهم میلادی را پدر جامعه‌شناسی می‌دانند؛ کسی که در کتابش با نام مقدمه، انسجام و تضاد اجتماعی را با استدلال علمی مورد ارزیابی قرار داد(داوادی ۱۹۹۰، ۳۱۹؛ اختر ۱۹۹۷، ۱۲؛ انان ۲۰۰۷، ۵۳؛ سویر و گیلیبرت ۲۰۱۲، ۳۰-۱۳). از نظر تاریخی نیز، نخستین بار "آگوست کنت"^۵ نظریه پرداز اجتماعی فرانسوی اصطلاح جامعه‌شناسی را به کار می‌برد. کنت تلاش کرد تا تاریخ، اقتصاد و روانشناسی را از طریق درک علمی زندگی اجتماعی متحد سازد(بورديو ۲۰۱۸، ۱۵ و کاپلسن ۱۹۹۴، ۱۱۸). بعدها جامعه‌شناسان بزرگی چون کارل مارکس و فردریش انگلس، ظهور جامعه مدرن را بیش از هر چیزی با توسعه نظام سرمایه‌داری، امیل دورکیم با صنعتی‌شدن و تقسیم کار اجتماعی جدید و ماکس وبر با شکل‌گیری یک روش متمایز تفکر و محاسبه عقلانی که ریشه در اخلاق و آیین پروتستان داشت، مرتبط دانستند(هریس ۲۰۱۴، ۳۲۵).

ریشه‌های واژه‌ی جامعه‌شناسی از واژه‌ی socius به معنای همراهی و واژه‌ی یونانی ology به معنای مطالعه است. از میان تمامی رشته‌های علوم اجتماعی این جامعه‌شناسی است که به بررسی دقیق تغییر و تعارض در جامعه‌ی بزرگتر می‌پردازد. در واقع طیف وسیع و اهمیت مباحثی که در آن مورد مناظره

^۴. Ibn Khaldun

^۵. Auguste Comt

قرار می‌گیرد، جامعه‌شناسی را به ملکه و مهیج‌ترین رشته علوم اجتماعی مبدل ساخته است (مارشال ۱۹۹۸، ۶۲۹-۶۲۸).

جامعه‌شناسی مدعی است که با ابزار علم در صدد تحقیق در روابط میان آدمیان در اجتماع است (اباذری ۱۳۸۷، ۷۹). ما همه می‌دانیم جوامعی که ما در آنها زندگی می‌کنیم به سرعت دگرگون می‌شوند و جهانی که پدر و مادرهایمان در آن زیسته‌اند احتمالاً هرگز باز نخواهند گشت. آنچه سبب این دگرگونی‌ها می‌شوند و چگونگی واکنش ما به این دگرگونی‌ها موضوع اصلی جامعه‌شناسی است. رشته‌ی جامعه‌شناسی از دل آگاهی به این نکته که جوامع تغییر می‌کنند سربرآورد... در واقع جامعه‌شناسی پاسخی است جامع به این پرسش‌ها: «چه چیزهایی موجب این تغییرات می‌شوند؟» و چرا مردم این کار را می‌کنند؟ (آزبورن و وان لون ۱۳۸۷، ۱۳).

بدین‌سان، جامعه‌شناسی را می‌توان بررسی علمی زندگی گروهی انسان‌ها تعریف کرد (کوئن ۱۳۸۸، ۱)؛ که بر جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی مرتبط با زندگی روزمره و در نهایت رفتار، تعامل و الگوهای اجتماعی متمرکز است (کریگ ۲۰۰۸، ۱۵).

در نهایت، باید به این واقعیت بسیار مهم اشاره کرد که علم جدید که جامعه‌شناسی نیز جزو آن است بر خلاف علوم سنتی چون تاریخ و فلسفه به دنبال قهرمان و نابغه نیست. جامعه‌شناسی از یکسو در صدد کشف مکانیزم‌هایی است که مانع تحقق عقل‌اند و از سوی دیگر از حیث کاربردی در صدد اصلاح و بهبود زندگی مردم است (اباذری ۱۳۸۷، ۸۷). خوشبختانه تاریخ جامعه‌شناسی حاکی از آن است که چون جامعه‌شناسان جامعه را فرآیند یادگیری عقلانی می‌دانند، در طول مدتی که دست به فعالیت علمی و عملی زده‌اند، کوشیده‌اند تا آنجا که از دست علم و عقلشان برمی‌آید نه فقط به مردم معمولی

کمک کنند که زندگی مادی و معنوی خود را نیز بهبود بخشند، بلکه مهمتر از آن به یاری مردمانی شتافته‌اند که آنومی روزگار ما آنها را به حاشیه رانده است: مردم کشورهای جهان سوم، زنان، دیوانگان، فواحش، زندانیان، بیکاران، کارگران و... تا شاید بتوانند هر چند اندک، تغییری مفید در زندگی آنان به وجود آورند و آلام آنان را بکاهند(همان، ۹۹).

درباره جامعه‌شناسی فوتبال

«ساکنین آفریقا، بختی را که در سایر زمینه‌های
زندگی از دست داده یا از دستشان رفته‌اند اکنون در
فوتبال می‌جویند». "سایمون کوپر"

اگرچه مطالعات جامعه‌شناختی تربیت‌بدنی و ورزش در آثار بزرگان و فلاسفه‌ای همچون ارسطو، مونته‌سکیو، و اگوست کنت و... به طور پراکنده و بسیار گذرا به چشم می‌خورد، اما اظهارات فلاسفه و دانشمندان گذشته در خصوص تربیت‌بدنی و ورزش در آن موقع عموماً کلی می‌باشد. در این ارتباط مطالعات و تحقیقاتی که منحصراً تحت عنوان جامعه‌شناسی ورزش شکل گرفت مربوط به سال‌های بعد از ۱۹۷۰ است. در واقع، این رشته به گونه‌ای تخصصی در کشورهای نظیر آلمان، فرانسه، انگلستان، آمریکا، و کانادا پایه‌گذاری شده و آنگاه به دیگر کشورها گسترش یافته است. جامعه‌شناسی ورزش را می‌توان مطالعه‌ی کنش متقابل مشارکت‌کنندگان ورزش اعم از ورزشکاران، مربیان و هواداران و سازمان اجتماعی دانست. هدف از این علم تولید دانشی است که برای تفسیر، فهم و تبیین الگوهای رفتار انسانی و حل مسائل اجتماعی انسان در فعالیت‌های ورزشی مفید باشد(ساریخانی و همکاران ۱۳۹۲: ۱۶). یکی از دلایل مهم برای مطالعه ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی فراگیر، این است که با بسیاری از مظاهر زندگی اجتماعی افراد جامعه ارتباط بسیار نزدیک دارد. ورزش

با پدیده‌ها و نهادهایی همچون خانواده، اقتصاد، آموزش و پرورش، مذهب، اوقات فراغت، سیاست، حقوق، فرهنگ، رسانه‌های جمعی و بهداشت ارتباط دارد (نادریان جهرمی ۱۳۸۹، ۲۱). بدین‌سان، مادامی که سخن از جامعه‌شناسی فوتبال به میان می‌آید، منظور اصلی پژوهشگر ارزیابی، توصیف و تحلیل جایگاه پدیده‌ای مدرن و بین‌المللی چون فوتبال در میان مردم و ارتباط این ورزش با نهادهای اصلی جامعه مانند: فرهنگ، سیاست، اقتصاد و... می‌باشد.

"روبر اسکارپیت" در کتاب جامعه‌شناسی ادبیات چنین می‌نگارد که هر پدیده ادبی مستلزم سه واقعیت است: نویسندگان، کتاب‌ها و خوانندگان، یا به عبارتی عام‌تر: آفرینشگران، آثار و مردم (۱۳۸۸، ۱۳). شاید بتوان از پشت همین عینک و در مقام قیاس، واقعیت پدیده فوتبال را نیز به سه مولفه‌ی بازیکنان، بازی‌ها و تماشاگران مرتبط دانست؛ اما به جرأت می‌توان اعتراف نمود که جایگاه مردمی و محبوبیت بازیکنان فوتبال در برابر نویسندگان آثار ادبی، سطح انعکاس بازی‌ها در برابر میزان انتشار متون مربوطه و در نهایت مقایسه تعداد تماشاگران مسابقات فوتبال با خوانندگان ژانرهای مختلف ادبی، اگر قابل قیاس نباشند، تفاوتی فاحش را به نمایش می‌گذارند.

ورزش به طور عام و ورزش فوتبال به گونه‌ای خاص، فشرده یا کوچک شده‌ی جامعه می‌باشند. این گزاره، گزاره‌ای است که بسیاری از جامعه‌شناسان ورزش بر سر آن هم داستانند. در واقع بر مبنای این گزاره، با آگاهی از معیارها و روابط حاکم بر نهاد ورزش یا شناخت ورزش محبوب و پرطرفدار یک کشور، می‌توان امیدوار بود که به درکی نسبی از شرایط آن جامعه‌ی خاص نایل آمد. پرواضح است که بسیاری از حوزه‌های بین‌رشته‌ای نیز مدعی چنین ابزاری برای نیل به هدف مذکور می‌باشند. من باب مثال: جامعه‌شناسان ادبیات بر آن هستند که با مطالعه‌ی آثار اصیل ادبی در هر دوره می‌توان به درکی نسبی از شرایط اجتماعی آن دوره نایل آمد. از نظر نگارنده‌ی این سطور، ورزش در این زمینه